مجله طب دامی ایران، ۱۳۹۴، دوره ۹، شماره۱، ۶-۱

تأثیر روش‌های مختلف رفع انجماد بر خصوصیات شیمیایی میگوی منجمد صورتی

علی شفیعی پور[۱] مسعود سامی[۲،۳*]

۱) دانش آموخته، دکتری دامپزشکی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
۲) مرکز تحقیقات امنیت غذایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
۳) گروه علوم و صنایع غذایی، دانشکده تغذیه و علوم غذایی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

(دریافت مقاله: ۲۸ مهر ماه ۱۳۹۳، پذیرش نهایی: ۲۲ دی ماه ۱۳۹۳)

چکیده

زمینه مطالعه: انجماد روش متداول واز بهترین روش‌های نگهداری مواد غذایی دریایی برای مدت طولانی است اما مراحل انجماد و رفع انجماد دارای اثرات احتمالی بر روی کیفیت غذا می‌باشند. **هدف:** این مطالعه به منظور بررسی تغییرات شیمیایی میگوی صورتی در سیکل‌های انجماد و رفع انجماد با سه روش مایکروویو، یخچال و قرار دادن در آب انجام گرفت. **روش کار:** بدین منظور، میگوی صورتی خلیج فارس صید گردید. ۲۰۰ g از میگوی پوست کنی شده در بسته‌های پلی اتیلنی بصورت خلاء در دمای -40° منجمد شدند. سپس نمونه‌ها به دانشکده دامپزشکی کرمان منتقل و در فریزر ۱۸-قرار گرفتند. پس از ۴ روز، رفع انجماد نمونه‌ها توسط سه روش مذکور و انجماد و رفع انجماد به فواصل ۴ روز در سه تکرار انجام شد. نهایتاً فاکتورهایی از قبیل کاهش وزن در اثر رفع انجماد، میزان باربیتوریك اسید، مواد ازته فرار و پروتئین‌های محلول در نمك مورد ارزیابی قرار گرفتند. **نتایج:** با افزایش تعداد سیکل‌ها میزان تیوباربیتوریك اسید و مواد ازته فرار افزایش مختصری اما میزان پروتئین‌های محلول در نمك کاهش معنی داری نشان داد ($p>0/05$). در رفع انجماد توسط مایکروویو میزان از دست دادن آب در زمان رفع انجماد بیشتر از دو روش دیگر مشخص شد ($p>0/05$). در رفع انجماد توسط مایکروویو و آب میزان تیوباربیتوریك اسید نسبت به روش یخچال میزان بالاتری را نشان دادند ($p>0/05$). در روش رفع انجماد با یخچال میزان پروتئین‌های محلول در نمك نسبت به دو روش دیگر بالاتر بود ($p>0/05$) واختلاف معنی داری در میزان میزان پروتئین‌های محلول در نمك بین دو روش رفع انجماد توسط مایکروویو با آب وجود نداشت ($p<0/05$). همچنین میزان مواد ازته فرار در سه روش مذکور تفاوت معنی داری نشان نداد ($p<0/05$). **نتیجه‌گیری نهایی:** نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که روش رفع انجماد توسط یخچال اثرات کمتری در کاهش کیفیت شیمیایی میگوی صورتی در مقایسه با دو روش دیگر خواهد داشت و رفع انجمادهای متعدد باعث اثرات زیانبار بر کیفیت میگوی منجمد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: میگوی صورتی، پروتئین محلول در نمك، میزان تیوباربیتوریك اسید، میزان مواد ازته فرار

*) نویسنده مسؤول: تلفن: ۳۷۹۲۲۷۱۲ (۳۱)۹۸+ نمابر: ۳۶۶۸۱۳۷۸ (۳۱)۹۸+ Email: sami@uk.ac.ir

مجله طب دامی ایران، ۱۳۹۴، دوره ۹، شماره۱، ۱۲-۷

یافته‌های اکوکاریوگرافی در اسب‌های ورزشی دارای سوفل پولمونا‌ری

عبدالرزاق رستمی[۱] مجید مسعودی فرد[۱*] علیرضا وجهی[۱] محمدرضا مخبر دزفولی[۲] علی رضا خانی[۳] حمید توانایی منش[۲] علیرضا باهنر[۴]

۱)گروه جراحی و رادیولوژی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲)گروه بیماریهای داخلی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران، ایران
۳)گروه علوم بالینی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۴)گروه بهداشت و کنترل مواد غذایی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران، ایران

(دریافت مقاله: ۱۵ مهر ماه ۱۳۹۳، پذیرش نهایی: ۲۴ آذر ماه ۱۳۹۳)

چکیده

زمینه مطالعه: تعیین معنی‌دار بودن سوفل‌های قلبی از لحاظ بالینی در اسب بسیار مورد توجه قرار گرفته است. سوفل‌های ناشی از دریچه پولمونا‌ری به‌طور معمول در اسب‌های ورزشی تشخیص داده می‌شوند. ازطرفی اکوکاردیوگرافی می‌تواند نقش بسیار مهمی در ارزیابی این ســوفل‌ها بازی کند. **هدف:** ارزیابی اکوکاردیوگرافی اسب‌های دارای سوفل پولمونا‌ری و تعیین اهمیّت این سوفل‌ها. **روش کار:** تعداد ۴۵۰ اسب ورزشی با توجه ویژه به سیستم‌های قلبی و ریوی مورد معاینه قرار گرفتند و تعداد ۱۸ رأس اسب (شامل: ۸ اسب با سوفل پولمونا‌ری ۳o و ۴ و تعداد ۱۰ رأس اسب نرمال) برای معاینه اکوکاردیوگرافی انتخاب شدند. **نتایج:** اکوکاردیوگرافی مدهای روشــنایی، حرکتی، داپلر پالســی و رنگی بر روی روی اسب‌های دو گروه (با سوفل قلبی و نرمال) انجام شد و شاخص‌های اکوکاردیوگرافی محاســبه و برای دو گروه مقایســه گردید. تفاوت آماری معنی‌دار بین شــاخص‌های دو گروه یافت نشد ($p>0/05$). **نتیجه‌گیری‌نهایی:** ارتباط آماری معنی‌دار بین شدت سوفل پولمونا‌ری و شدت خون پس‌زده (Regurgitant jet) از دریچه پولمونا‌ری وجود ندارد و درجات متوسط پس‌زدن خون از دریچه پولمونا‌ری منجر به تغییرات شاخص‌های قلبی دیگر نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: اسب، دریچه پولمونا‌ری، پس زدن خون، اکوکاردیوگرافی

*) نویسنده مسؤول: تلفن: ۶۱۱۱۷۰۷۹ (۲۱)۹۸+ نمابر: ۶۶۴۳۸۳۲۷ (۲۱)۹۸+ Email: mmfard@ut.ac.ir

مجله طب دامی ایران، ۱۳۹۴، دوره ۹، شماره۱، ۱۸-۱۳

ارزیابی برخی شناساگرهای اکسایشی و آنزیمی در مراحل مختلف وقوع طبیعی مسمومیت مزمن با مس در گوسفند

جمیله سالارآملی[۱*] صالح یزدانی[۲] طاهره علی‌اصفهانی[۱] ندا رنجبر[۳]

۱) گروه سم‌شناسی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲) سازمان دامپزشکی کشور، کرمان، ایران
۳) دانش‌آموخته، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران، ایران

(دریافت مقاله: ۱۹ آبان ماه ۱۳۹۳، پذیرش نهایی: ۲۹ دی ماه ۱۳۹۳)

چکیده

زمینه مطالعه: از نظر بالینی تشخیص مراحل اولیة مسمومیت مزمن مس مشکل بوده و تاکنون به‌وضوح توضیح داده نشده است. **هدف:** به‌منظور یافتن شناساگرهایی که در مراحل اولیة تشخیص این مسمومیت مؤثر باشند، از فرصت وقوع طبیعی مسمومیت مس در گلة گوسفند استفاده شد و از دام‌ها در فازهای مختلف مسمومیت، خون‌گیری به‌عمل آمد. **روش کار:** گوسفندان به چهار گروه تجربی تقسیم شدند: گروه الف، دور از منطقة آلوده (گروه کنترل)؛ گروه ب، در منطقة آلوده (دام‌های به‌ظاهر سالم و بدون علایم بالینی زردی)؛ گروه ج، دارای علایم ملایم زردی و فاز بحرانی همولیز؛ و گروه د، دارای علایم واضح زردی. بعد از خون‌گیری و تهیة سرم، نمونه‌ها از نظر آنزیم‌های کبدی و پارامترهای استرس اکسایشی در مراحل مختلف مسمومیت ارزیابی شد. **نتایج:** در هر نمونة سرم، آنزیم‌های ALT، AST، GGT، CPK گروه تیول تام و پروتئین تام، همچنین غلظت مس در سرم، کبد و کلیة دام‌های گروه د اندازه‌گیری شد. طبق نتایج به‌دست آمده، میزان فعالیت آنزیم‌های AST، GGT، CPK و تیول تام (شناساگر استرس اکسایشی) گوسفندان گروه ج، تفاوت معنی‌داری با گروه کنترل داشته است. در گروه د، فعالیت‌های آنزیم‌های فوق، تیول تام و پروتئین تام تفاوت معنی‌داری با کنترل و سایر گروه‌های مورد مطالعه نشان داد ($p \geq ۰/۰۵$). میزان مس اندازه‌گیری شده در سرم، کبد و کلیه وقوع مسمومیت با مس در گروه‌های مورد مطالعه را تأیید کرد. **نتیجه‌گیری نهایی:** نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد میزان فعالیت آنزیم‌های کبدی و تیول تام فقط در مرحلة نزدیک به فاز بحرانی همولیتیک شناساگری مطمئن در تشخیص مسمومیت با این عنصر محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مس، آنزیم‌های کبدی ، استرس اکسایشی، گوسفند

*) نویسنده مسؤول: تلفن: ۶۱۱۱۷۰۴۶ (۲۱)۹۸+ نمابر: ۶۶۹۳۳۲۲۲ (۲۱)۹۸+ Email: jsalar@ut.ac.ir

مجله طب دامی ایران، ۱۳۹۴، دوره ۹، شماره ۱، ۲۶-۱۹

مطالعه تغییرات خون شناسی در گوسفندان آلوده به آناپلاسما و تیلریا اویس: با تشخیص مولکولی

زهره خاکی[۱] سیده میثاق جلالی[۲*] بهرام کاظمی[۳] محمد راضی جلالی[۲] سیده پرستو یاسینی[۱]

۱) بخش کلینیکال پاتولوژی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲)گروه علوم درمانگاهی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
۳) مرکز تحقیقات بیولوژی سلولی و مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

(دریافت مقاله: ۲۶ آبان ماه ۱۳۹۳، پذیرش نهایی: ۲۸ دی ماه ۱۳۹۳)

چکیده

زمینه مطالعه: آناپلاسموز و تیلریوز بیماریهای مهم منتقله از کنه در گوسفند و بز هستند که در مناطق گرمسیری و نیمه گرمسیری دنیا منتشر هستند. **هدف:** مطالعه حاضر به منظور بررسی تغییرات خون شناسی در گوسفندان دچار آلودگی طبیعی به آناپلاسما و تیلریا انجام گرفت تا جنبه‌های پاتوژنیک گونه‌های مختلف ایجاد کننده آناپلاسموز و تیلریوز گوسفند در اهواز مشخص گردد. **روش کار:** نمونه‌گیری از ۱۰۹ گوسفند انجام گرفت و آلودگی انگل‌های خونی با بررسی میکروسکوپی و PCR تشخیص داده شد. نمونه‌های خون همچنین از نظر خون شناسی مورد ارزیابی قرار گرفت. **نتایج:** در آزمایش PCR آلودگی به آناپلاسما اویس در ۸۶/۲٪ از گوسفندان مشخص شد در حالی که در ۵۳/۲ ٪ از این موارد، آلودگی همزمان به آناپلاسما مارژیناله نیز یافت شد. با این وجود گنجیدگی‌های آناپلاسما تنها در ۳۲/۱٪ از حیوانات مورد بررسی مشاهده گردید. تیلریا اویس در ۸۸ ٪ از گوسفندان مورد بررسی به روش PCR شناسایی گردید که در ۶۷/۸ ٪ از این موارد آلودگی به روش میکروسکوپی نیز تشخیص داده شد. بررسی‌های خون شناسی نشان داد که در حیوانات دچار آلودگی همزمان به آناپلاسما همراه پارازیتمی و تیلریا، میانگین Hb، PCV، RBC و MCHC به طور معنی داری کمتر، در حالی که MCV و RDW بیشتر از گوسفندان غیرآلوده و دام‌های دچار آلودگی تکی یا بدون پارازیتمی بود. **نتیجه‌گیری نهایی:** به طور خلاصه، به نظر می‌رسد که آناپلاسما می‌تواند در حضور سایر عوامل عفونی در حیوانات حامل یا فاقد علامت، فعال شده و بیماریزایی ایجاد کند. همچنین آلودگی‌های همزمان آناپلاسما همراه پارازیتمی و تیلریا می‌تواند یک کم خونی جبران پذیر ایجاد کند که احتمالاً مرتبط با اثر هر دو انگل می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: آناپلاسما، تیلریا، گوسفند، خون شناسی

*) نویسنده مسؤول: تلفن: ۳۳۳۰۰۱۳ (۶۱۳)۹۸+ نمابر: ۳۳۶۰۸۰۷ (۶۱۳)۹۸+ Email: mi.jalali@scu.ac.ir

مجله طب دامی ایران، ۱۳۹۴، دوره ۹، شماره ۱، ۳۱-۲۷

بررسی تأثیر قطره چشمی کلرامفنیکل و سیپروفلوکساسین بر روی فلور باکتریایی طبیعی ملتحمه سگ‌های سالم

عبدالعلی ملماسی[۱*] مسعود سلک غفاری[۲] گودرز صادقی هشجین[۳] مولود داودی[۱] اولین کاپیا[۴] مژده شریفیان فرد[۵] شیما احدی نژاد[۱] علیرضا باهنر[۶]

۱) گروه آموزشی بیماری‌های داخلی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲) گروه علوم درمانگاهی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران
۳) گروه علوم پایه، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران، ایران
۴) گروه افتالمولوژی، دانشگاه گنت، بلژیک
۵) گروه پاتولوژی، باکتریولوژی و بیماری‌های طیور، دانشگاه گنت، بلژیک
۶) گروه بهداشت و کنترل مواد غذایی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران، ایران

(دریافت مقاله: ۷ آبان ماه ۱۳۹۳، پذیرش نهایی: ۲۲ دی ماه ۱۳۹۳)

چکیده

زمینه مطالعه: فلور طبیعی ملتحمه با مهار کردن رشـد ارگانیسـم‌های فرصت طلب در پیشگیری از عفونت‌های چشمی نقش بسزایی دارد. در صورتیکه فلور مقیم ملتحمه به دنبال یک بیماری یا تجویز طولانی مدت آنتی بیوتیک‌ها مهار شود، رشد بیش از حد پاتوژن‌های فرصت طلب منجر به عفونت‌های چشـمی می‌گردد. **هدف:** هدف از انجام این تحقیق بررسـی تأثیر استفاده داخل چشمی از دو آنتی بیوتیک متداول، کلرامفنیکل و سیپروفلوکساسین، بر روی چگونگی تغییر فلور باکتریایی چشم سگ‌های سالم بود. **روش‌کار:** بدین منظور تعداد ۱۶ سگ بالغ و سالم به صورت تصادفی به دو گروه مساوی تقسیم گردید که یک گروه کلرامفنیکل و دیگری سیپروفلوکساسین دریافت نمودند. در هر دو گروه چشم راست در هر حیوان با دو قطره از آنتی بیوتیک مورد نظر به ترتیب هر ۸ ساعت و ۶ ساعت یکبار به مدت یک هفته تحت درمان قرار گرفت و چشم چپ تنها اشک مصنوعی دریافت کرده و به عنوان شـاهد در نظر گرفته شـد. کشت باکتریایی و قارچی ۸ ساعت قبل از شروع درمان و سـپس در پایان یک هفته، در هر دو گروه و از هر دو چشـم (راسـت و چپ) صورت گرفت. آنالیز آماری نتایج به دسـت آمده با اسـتفاده از نرم افزار SPSS و آزمایش دقیق فیشر صورت گرفت. **نتایج:** تفاوت آماری معنی داری بین چشم مورد آزمایش و شاهد و نیز در باکتری‌های جدا شده در هر دو گروه دیده نشـد. در گروه دریافت کننده کلرامفنیکل، پس از یک هفته درمان، از چشم راست سـگ‌ها، *Staphylococcus.spp* (۶۲/۵٪) و *Bacillus* (۱۲/۵٪) و از چشـم چـپ (۷۵٪) *Staphylococcus.spp* و *Bacillus* (۱۲/۵٪) جـدا گردید. در گروه دریافت کننده سیپروفلوکساسین، پس از یک هفته درمان، باکتری‌های (۸۷/۵٪) *Staphylococcus.spp*، (۳۷/۵٪) *Aerococcus.spp*، (۲۵٪) *Viridans streptococcus*، (۱۲/۵٪) *Micrococcus.spp*، (۱۲/۵٪) *Bacillus.spp* از چشـم راسـت وباکتری‌های (۷۵٪) *Micrococcus.spp*، Staphylococcus.spp (۲۵٪) و (۱۲/۵٪) Bacillus.spp از چشم چپ جدا گردید. **نتیجه‌گیری‌نهایی:** از بررسی نتایج بدست آمده در مطالعه حاضر این گونه بر می‌آید که کلرامفنیکل و سیپروفلوکساسین چشمی، تأثیری در جهت تغییر یا تخریب فلور طبیعی ملتحمه سگ‌ها در طول دوره درمان‌های متداول (یک هفته) ندارند.

واژه‌های کلیدی: کلرامفنیکل، سیپروفلوکساسین، فلور ملتحمه، سگ

*) نویسنده مسؤول: تلفن: ۶۶۹۲۰۰۳۵ (۲۱)۹۸+ نمابر: ۶۶۴۳۸۳۲۷ (۲۱)۹۸+ Email: amalmasi @ ut.ac.ir

مجله طب دامی ایران، ۱۳۹۴، دوره ۹، شماره ۱، ۴۰-۳۳

بررسی مقایسه‌ای اثرات قلبی-تنفسی، کیفیت بیهوشی و زمان هوشیابی در بیهوشی ایجاد شده با داروهای ایزوفلوران ویا پروپوفول در کبوتر (*domestica Columba Livia*)

حمیدرضا مهمان نواز[۲] محمد رضا امامی[۱*] جمشید رزم یار[۱] حسین کاظمی مهر جردی[۱]

۱) گروه علوم درمانگاهی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۲) دانش آموخته، دانشکده دامپزشکی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(دریافت مقاله: ۲۹ مرداد ماه ۱۳۹۳، پذیرش نهایی: ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۳)

چکیده

زمینه مطالعه: باور عمومی براین اســت که مطمئن ترین و رایج ترین انتخاب برای بیهوشـــی در پرندگان، بیهوشی استنشاقی می‌باشد، اما در بعضی از شرایط بالینی مثلاً جراحی نای، بیهوشی تزریقی تنها انتخاب موجود، صرفنظر از وجود یا عدم وجود دستگاه بیهوشی، می‌باشد. **هدف:** بررسی کیفیت بیهوشی و زمان هوشیابی در بیهوشی ایجاد شده با داروهای ایزوفلوران و پروپوفول در کبوتر. **روش کار:** تعداد ۲۰کبوتر نر و ماده از نژاد مشــابه (کبوتر خانگیColumba Livia) با متوســط وزن g ۳۷/۹۵±۳۰۲/۵ انتخاب شد کبوتران به صورت تصادفی در دو گروه ده تایی تقسیم شدند. در یک گروه بدون پیش بیهوشی، القای بیهوشی با ایزوفلوران ۵٪ به وسیله ماسک و ادامه بیهوشی به مدت ۳۰ دقیقه با ایزوفلوران (بین۲٪) توسط لوله نایی فاقد کاف صورت گرفت. در گروه دیگر بدون پیش بیهوشی، القای بیهوشی با پروپوفول۱٪ به میزان mg ۱۴ به ازای هر کیلوگرم وزن بدن توسط آنژیوکت زرد رنگ (شماره ۲۴) که در ورید زیر بال قرار داده شده بود، به صورت تزریق آهسته صورت گرفت. سپس برای ادامه بیهوشی در طول ۳۰ دقیقه، از پروپوفول به میزان mg ۱/۳۳ به ازای هر کیلوگرم وزن بدن در هر دقیقه به صورت انفوزیون با پمپ تزریق استفاده شد و به کبوتران اکسیژن کمکی با لوله نایی فاقد کاف داده شد. دمای بدن (کلوآکی)، تعداد ضربان قلب در دقیقه، تعدادتنفس در دقیقه و میزان اشباع نسبی اکسیژن هموگلوبین شریانی (SPO۲) در هردو پروتکل بیهوشی قبل از القا بیهوشی و در دقایق ۳۰،۲۵،۲۰،۱۵،۱۰،۵،۳،۱ بعد از القا و همچنین در پایان دوره هوشیابی ثبت گردید. **نتایج:** بیهوشی اثر معنی‌داری بر تعداد تنفس در دقیقه، ضربان قلب در دقیقه و٪SPO۲ داشت ($p\geq ۰/۰۵$). مدت زمان هوشیابی در دو گروه به صورت معنی داری متفاوت بود. **نتیجه‌گیری‌نهایی:** کبوتران بیهوش شده با ایزوفلوران بیهوشی آرام و سریعی داشتند اما در کبوتران بیهوش شده با پروپوفول القای بیهوشی نامنظم بوده و برای همه کبوتران یکسان نبود. اما در مجموع، پروپوفول حاشیه امنیت کمتری نسبت به ایزوفلوران.

واژه‌های کلیدی: بیهوشی، ایزوفلوران، کبوتر، پروپوفول، زمان هوشیاری

*) نویسنده مسؤول: تلفن: ۳۸۸۰۵۶۰۲ (۵۱)۹۸+ نمابر: ۳۸۷۶۳۸۵۲ (۵۱)۹۸+ Email: emami@um.ac.ir

مجله طب دامی ایران، ۱۳۹۴، دوره ۹، شماره ۱، ۴۷-۴۱

مقایسه ژن «*tim*» ژیاردیا لامبلیا در حیوانات آزمایشگاهی و انسان و اهمیت انتقال متقاطع در ایران

میترا زارع بوانی[۱،۳] ناهید عین الهی[۱] نسرین دشتی[۱*] مصطفی رضائیان[۲]

۱) مرکز تحقیقات سم‌شناسی و مسمومیت‌های دامی، گروه سم‌شناسی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲) گروه طب داخلی، دانشگاه گرونینگن، گرونینگن، هلند
۳) مرکز تحقیقات زئونوز، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

(دریافت مقاله: ۲۳ مهر ماه ۱۳۹۳، پذیرش نهایی: ۱۷ دی ماه ۱۳۹۳)

چکیده

زمینه مطالعه: انگل تک یاخته ژیاردیا توانایی آلوده کردن پستاندارانی از قبیل سگ، گربه، موش، سنجاب، چین چیلا، خرگوش، موش کوچک، خوکچه هندی، خوک، گاو و انسان را دارا می‌باشد. **هدف:** در این مطالعه برای اولین بار ژنوتیپ‌های ژن تریوزفسفات ایزومراز ژیاردیا لامبلیا به روش PCR-RFLP مورد مطالعه قرار گرفت. **روش کار:** در این بررسی ۴ جفت پرایمر مورد استفاده قرار گرفت. ۲ جفت پرایمر بر اساس مطالعات پیشین و ۲ جفت دیگر طی مطالعه جهت افتراق زیر گروه‌ها طراحی گردید. **نتایج:** در میان ایزوله‌های ژیاردیای بررسی شده در این تحقیق، به ترتیب ۲۰٪ و ۵٪ از نمونه‌های ژیاردیا با منشأ خرگوش و موش توسط پرایمر PM۲۹۰ تکثیر گردید. **نتیجه‌گیری نهایی:** یافته فوق حاکی از وجود شباهت توالی درژن مذکور در بین نمونه انسانی، خرگوش و موش می‌باشد. که می‌تواند مبین وجود شواهدی مبتنی بر انتقال مستقیم ژیاردیا از حیوانات ذکر شده به انسان باشد و اکثر محققین بر این باورند که با توجه به پتانسیل انتقال زئونوتیک هنگام کار با مدفوع حیوانات آلوده بایستی دقت لازم را بعمل آورد.

واژه‌های کلیدی: ژیاردیا لامبلیا، موش، PCR-RFLP ، خرگوش، حیوانات آزمایشگاهی

*) نویسنده مسؤول: تلفن: ۸۸۹۹۱۷۰۲ (۲۱)۹۸+ نمابر: ۸۸۹۸۳۰۳۷ (۲۱)۹۸+ Email: dashti@tums.ac.ir

مجله طب دامی ایران، ۱۳۹۴، دوره ۹، شماره ۱، ۵۶-۴۹

شناسایی ژن‌های حدت *cdt* کمپیلوباکترهای ژژونی و کلی از نمونه‌های مدفوعی پرندگان خانگی (زینتی) ایران

فاطمه احسان نژاد ارژنگ شیخ الملوکی محمد حسن زاده* روجا شجاعی کاوان محمد سلطانی

گروه بیماریهای پرندگان، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران، ایران

(دریافت مقاله: ۱۴ مهر ماه ۱۳۹۳، پذیرش نهایی: ۲۸ دی ماه ۱۳۹۳)

چکیده

زمینه مطالعه: کمپیلوباکترها در بسیاری از موارد سبب آنتریت انسانی می‌شوند. تعداد زیادی از پرندگان اهلی و وحشی مخزن کمپیلوباکترها بوده و دارای ژن‌های حدت *cdt* می‌باشند. **هدف:** در این مطالعه ابتدا کمپیلوباکترهای ژژونی و کلی در پرندگان خانگی شناسایی و سپس حضور ژن‌های *cdt* در آنها مورد مطالعه قرار گرفت. **روش کار:** تعداد ۶۶۰ نمونه سواب مدفوعی، از ۳۲ گونه مختلف پرنده خانگی یا زینتی که به کلینیک دانشکده دامپزشکی مراجعه یا در قفس‌های پارک‌ها و باغ وحش تهران نگهداری می‌شدند تهیه گردید. با استفاده از روش باکتریولوژیک و PCR ابتدا کمپیلوباکترها شناسایی و سپس ژن‌های *cdt* آنها مطالعه گردید. ضمناً محصولات PCR برای سکانس ژن ارسال گردید. **نتایج:** تعداد ۲۰ نمونه کمپیلوباکتر شامل ۱۶ نمونه ژژونی (۸۰٪) و ۴ نمونه کلی (۲۰٪) از ۸ گونه مختلف پرنده خانگی جدا و یا با روش PCR شناسایی و تأیید گردید. در ۲۰ نمونه مثبت، تعداد ۱۳ نمونه (۶۵٪) حداقل دارای یک یا چند ژن حدت *cdt* بودند و ۷ نمونه از آنها هیچ یک از ژن‌های *cdt* را در مطالعه مولکولی نشان ندادند. نتایج اولیه سکانس ژن‌های حدت موید این بود که قرابت بالایی بین ژن‌های حدت این باکتری‌ها با ژن‌های حاصل از جدایه‌های انسانی و طیور صنعتی وجود دارد. **نتیجه‌گیری نهایی:** مطالعه حاضر نشان داد که پرندگان خانگی آلوده به کمپیلوباکتر بوده و حاوی ژن‌های حدت هستند و می‌توانند بعنوان مخزن باکتری محسوب و سبب آلودگی سایر پرندگان و انسان‌ها بشوند.

واژه‌های کلیدی: کمپیلوباکتر گرمادوست، ژن حدت، پرندگان زینتی

*) نویسنده مسؤول: تلفن: ۶۱۱۱۷۱۵۰ (۲۱)۹۸+ نمابر: ۶۶۹۳۳۲۲۲ (۲۱)۹۸+ Email: mhzadeh@ut.ac.ir

مجله طب دامی ایران، ۱۳۹۴، دوره ۹، شماره ۱، ۶۴-۵۷

مطالعه سرخرگ‌های مفصل مچ دستی شتر یک کوهانه (*Camelus dromedrus*)

محسن سجادیان[۱] محمدناصر ناظم[۲]* بیژن رادمهر[۳]

۱) گروه علوم پایه، دانشکده دامپزشکی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
۲) گروه علوم پایه، دانشکده دامپزشکی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
۳) گروه علوم پایه، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران، ایران

(دریافت مقاله: ۳ شهریور ماه ۱۳۹۳، پذیرش نهایی: ۲۸ آبان ماه ۱۳۹۳)

چکیده

زمینه مطالعه: اطلاعات کمی در مورد خونرسانی به مفصل مچ دست شتر یک کوهانه وجود دارد در حالیکه مطالعات فراوانی در این رابطه در گاو و اسب موجود می‌باشد. به منظور جراحی‌ها و برخی تکنیک‌های تشخیصی در ناحیه مچ، اطلاع از اجزای این مفصل از جمله سرخرگ‌های آن ضروری می‌باشد. **هدف:** در این مطالعه، خاستگاه، ترتیب و شاخه‌های سرخرگ‌های خونرسان به مفصل مچ شتر یک کوهانه (*Camelus dromedrus*) بررسی شده است. **روش کار:** دوازده اندام حرکتی قدامی سمت چپ شتر یک کوهانه فاقد سابقه لنگش، به سه گروه برابر تقسیم شدند. به سرخرگ بازویی، قبل از مفصل آرنج، آب گرم دارای ژلاتین، محلول لاتکس قرمز و محلول رزین رودوپاس بطور جداگانه تزریق و سرخرگ‌های خونرسان به مفصل مچ مطالعه شدند. **نتایج:** نتایج حاصل نشان داد که سرخرگ‌های زند زبرین، میانی و بین استخوانی خلفی و شاخه‌های آنها به مفصل مچ خونرسانی می‌کنند. **نتیجه‌گیری نهایی:** یافته‌ها نشـان داد که سـرخرگ زند زبرینی و انشعابات آن از جمله شاخه‌های پشتی و کف دستی مچی، اصلی ترین سرخرگ‌های خونرسان به مفصل مچ می‌باشند. سرخرگ‌های میانی و بین استخوانی خلفی نیز به این مفصل خونرسانی می‌کنند در حالیکه انشعابات سرخرگی خونرسان به مفصل مچ شتر دوکوهانه (*Bactrian camel*)، از سرخرگ زند زبرین و انشعابات سرخرگ بین استخوانی پشتی می‌باشند. در گاو، سرخرگ‌های بین استخوانی مشترک، میانی، هم جانبی زند زیرین و زند زبرینی مفصل مچ دست را خونرسانی می‌کنند. این کار در اسب به عهده سرخرگ‌های بین استخوانی مشترک، میانی، عرضی آرنج و زند زبرین می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: شتر یک کوهانه، مفصل مچ دست، سرخرگ زند زبرینی، سرخرگ میانی، سرخرگ بین استخوانی خلفی

*) نویسنده مسؤول: تلفن: ۳۲۲۲۰۴۷ (۳۴۳)۹۸+ نمابر: ۳۲۲۲۰۴۷ (۳۴۳)۹۸+ Email: nnazem@mail.uk.ac.ir

مجله طب دامی ایران، ۱۳۹۴، دوره ۹، شماره ۱، ۷۱-۶۵

شاخص‌های خونشناسی وتولید مثلی در مولدین فیل ماهیان وحشی جنوب شرقی دریای خزر

محمد مازندرانی[۱*] علی طاهری میرقائد[۲] سید مرتضی حسینی[۱]

۱) گروه تکثیر و پرورش آبزیان، دانشکده شیلات و محیط زیست دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران
۲) گروه بهداشت و بیماریهای آبزیان، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران، ایران

(دریافت مقاله: ۱۲ شهریور ماه ۱۳۹۳، پذیرش نهایی: ۲۶ آبان ماه ۱۳۹۳)

چکیده

زمینه مطالعه: مطالعات خونشناسی تکنیک تشخیصی ارزشمندی در بررسی وضعیت سلامت ماهیان، درمان و نیز اثرات فاکتورهای محیطی بر آنهاست. **هدف:** بدلیل ارزش بالای ماهیان خاویاری و ضرورت بازیابی مولدین آنها پارامترهای خونشناسی و نرماتیوهای تکثیر مولدین وحشی فیل ماهی (*Huso huso*) دریای خزر در این بررسی مورد مطالعه قرار گرفت. **روش کار:** به این منظور ۷مولد وحشی ماده و ۷ مولد وحشی نر مورد بررسی قرار گرفته و برخی پارامترهی خون شناسی از قبیل RBC، WBC، هماتوکریت، هموگلوبین، MCHC، MCH، MCV و درصد تفریقی گلبول‌های سفید تعیین و ثبت گردید. **نتایج:** بر اساس نتایج این مطالعه درفیل ماهیان وحشی میزان گلبول‌های سفید خون و لنفوسیت در ماهیان نر بیشتر از ماهیان ماده بوده، همچنین میزان نوتروفیل در ماهیان نر کمتر از ماهیان ماده اندازه‌گیری شد. همچنین در این مطالعه هم آوری کاربردی برای ماهیان ماده ۱۵۷۲۱۰±۴۴۷۰۰۰ ثبت گردید. تخمک‌های استحصالی به وزن ۳/۷۸ mg±۳۵/۴ با قطر طولی ۰/۲۱ mm±۴/۱۷ و قطر عرضی ۰/۱۹ mm±۳/۷۵ اندازه‌گیری شدند. درصد لقاح برای تخم ماهیان مورد مطالعه ۲۴/۳۳±۴۶/۷ ٪ و وزن لارو های بلافاصله پس از تخم گشایی ۱/۵۶mg±۲۵/۴۸ ثبت گردید. **نتیجه‌گیری نهایی:** رنج گسترده‌ای از مقادیر پارامترهای خونشناسی در بچه ماهیان و ماهیان جوان فیل ماهی گزارش گردیده است. به نظر می‌رسد مقادیر یاد شده در بررسی‌های گوناگون در ماهیان پرورشی با مولدین فیل ماهیان وحشی متفاوت باشد، این امر نشانگر اهمیت تعیین مقادیر خون‌شناسی مولدین فیل ماهی وحشی است.

واژه‌های کلیدی: مولدین، دریای خزر، خون‌شناسی، فیل ماهی، نرماتیو تکثیر

*) نویسنده مسؤول: تلفن: ۳۲۴۲۴۱۵۵ (۱۷)۹۸+ نمابر: ۳۲۴۲۷۰۴۰ (۱۷)۹۸+ Email: mazandarani@gau.ac.ir